

هشدار رییس اجرایی دولت وحدت ملی:

بی‌دقتی در اصلاح نظام انتخاباتی چالش آفرین است



صفحه ۶

رییس دولت وحدت ملی:

به نمایندگی از جهان با تروریسم می‌جنگیم



آقای غنی گفت یک پیمان امنیتی و اقتصادی باید در منطقه به وجود آید زیرا به گفته او خطراتی که فعلاً در افغانستان وجود دارند، در این کشور محدود نمی‌مانند. او گفت که مردم افغانستان ۳۶

سال رنج برده اند و حالا افغان‌ها حق دارند

نفس بکشند



با امضای توافقنامه توسعه بندر چابهار

پاکستان دور زده می‌شود



حاصل و نقل جاده‌یی هند، و مقامات عالی‌رتبه ایران در تهران صورت گرفت، به امضا رسید.

پس از امضای توافقنامه توسعه بندر چابهار، علاوه بر هند که دسترسی به آسیانه مرکزی بدون استفاده از خاک پاکستان را می‌یابد، افغانستان نیز به بازارهای جهانی و بین‌المللی متصل می‌شود.

با وجود مخالفت‌های برخی کشورها، هند گامی برای امضای توافقنامه توسعه بندر مهم استراتژیکی «چابهار» برداشته و مقامات دهلی‌نو با امضای این توافقنامه، دسترسی آبی خاکی به افغانستان همراه با دور زدن پاکستان را بدست خواهد آورد.

یک منبع آگاه اعلام کرد: این توافقنامه پس از گفت‌وگوهای جامعی که در دیدار نیتین گادکاری وزیر

وزیر مهاجرین هنگام امضای تفاهمنامه با سازمان جهانی مهاجرت: اوضاع مهاجرین بهتر خواهد شد



غیرقانونی افغان‌ها به کشورهای اروپایی، نیز با افغانستان همکاری خواهد کرد.

بر بنیاد امضای این تفاهمنامه، عرصه‌های همکاری‌های تخنیکی مهاجرین، همکاری در بخش دیتابیس و گردآوری معلومات درباره مهاجرین، بلندبردن ارتقای ظرفیت و نیز...

ادامه صفحه ۶

وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان دیروز تفاهم‌نامه همکاری را با سازمان «آی او ام» به امضا رساند. سیدحسین عالمی بلخی وزیر امور مهاجرین و عودت‌کنندگان، دیروز در یک نشست خبری گفت: پس از این، «آی او ام» یا سازمان جهانی مهاجرت کمک‌هایش را برای مهاجران افغانی افزایش می‌دهد. وی افزود: با این کار مشکلات افغان‌های مقیم پاکستان و ایران پایان خواهد یافت و همچنین برای بازگشت آنان به کشور، زمینه بهتر مساعد می‌شود.

آقای بلخی در جریان نشست خبری دیروز، با نماینده این سازمان در کابل تفاهمنامه‌یی را امضا کرد که بر بنیاد آن، این سازمان کمک‌هایش را به مهاجرینی که از پاکستان و ایران به کشور بر می‌گردند، ادامه می‌دهد. آقای بلخی افزود: بر بنیاد این تفاهمنامه، سازمان جهانی مهاجرت همچنین در جلوگیری از مهاجرت‌های

فیصله دادگاه درباره ۱۹ مامور پولیس به تعویق افتاد



محکمه ابتدایی حوزه سوم شهر کابل که دوسیه قتل فرخنده را بررسی می‌کند، روز یکشنبه اعلام کرد که به دلیل تکمیل نشدن بررسی دوسیه‌ها، حکم مجازات ۱۹ تن از سربازان پولیس اعلام نمی‌شود.

صفی‌الله مجددی، رییس محکمه ابتدایی هفته گذشته گفت که حکم این تعداد از ماموران پولیس که به غفلت وظیفوی متهم...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



پایان روزه سکوت سرپرست ولایت بلخ

پایان بازی



زنده‌گی کافکا به روایت پژوهشگری آلمانی

روایت سوم در مذمت انقلاب نکرشی جدید بر تاریخ نیم قرن اخیر افغانستان



علی پارسا

پایان روزه سکوت

سرپرست ولایت بلخ



افغانستان، روزانه ۱۲ میلیون دالر به افغانستان کمک می‌کند.

با توجه به لحن سخن و فحوای کلام سرپرست بلخ از یکسو و ناامنی‌های ممتد و مستمر فراگیر در شمال، به نظر می‌رسد که مسأله ناامنی‌های شمال، متأسفانه به سمت بحرانی فراگیر در حرکت است. به عبارت دیگر، مسأله آن‌قدر پیچیده و بغرنج شده است که کسی مانند عظامحمد نور، روزه سکوت ۸ ماهه خود را می‌شکند و بار دیگر به مشی انتقادی روی می‌آورد. هرچند که سخن گفتن از بسیج مردمی در مبارزه با هراس‌افکنی، ابتکار عمل سرپرست بلخ نیست و پیش از این، رییس‌جمهور غنی بارها و بارها به این راهکار برای مبارزه با هراس‌افکنی اشاره کرده بود. آقای غنی در سفر اخیرش به بدخشان و پس از آن به جلال‌آباد، به هراس‌افکنان و دشمنان افغانستان هشدار داد که اگر سلاح بر زمین نگذارند و به ما نپیوندند، این بار همه مردم افغانستان به جهاد علیه آن‌ها مبادرت می‌ورزند.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هرچند ظاهر سخن آقای نور در انتقاد از حکومت مرکزی است، اما محتوای کلامش، همان پروژه‌یی است که به نظر می‌رسد رییس‌جمهور غنی به دنبال آن است. پروژه مردمی کردن امنیت و امنیتی کردن مردم برای پس زدن دشمنان، هرچند از یکسو می‌تواند راه‌حل مناسبی برای مبارزه با هراس‌افکنی باشد؛ اما در کشوری که هنوز حاکمیت حکومت مرکزی آن بر بسیاری از مناطق

کشور با پرسش جدی مواجه است، احتمال گسترش بی‌نظمی‌ها و قانون‌گریزی‌ها هم دور از تصور نیست. به این ترتیب، نباید بدون تجزیه و تحلیل یک استراتژی همه‌جانبه ملی، دل به دریا زد و آب نادیده، موزه از پا بیرون کشید. به این ترتیب، باید پذیرفت که اگر بسیج مردم و تجهیز آن‌ها برای مقابله با دشمن، راهکاری مطلوب برای پیشگیری از پیشروی دشمن است، اما گاهی این امر می‌تواند خود زمینه‌ساز حضور و ظهور نسل جدیدی از افراد مسلح غیرمسئول شود و در نتیجه، آنچه در نخست فرصتی مغتنم شمرده می‌شد، در قالب تهدیدی فراگیر قد علم کند!

حامد کرزی هم حاضر به پیوستن به تیم‌های انتخاباتی دیگر غیر از تیم اصلاحات نشد، با موضوعی تندی که در زمان بن‌بست انتخاباتی در قبال تیم رقیب داشت، از رهبران رادیکال تیم داکتر عبدالله شناخته می‌شد. پس از توافق‌نامه انتخاباتی اما با مصلحت‌های جدیدی که پیش آمد، آقای نور هم سکوت اختیار کرد و بار دیگر به عنوان سرپرست بلخ به کارش ادامه داد. این اظهارات اخیر او اما به نظر می‌رسد که به‌نحوی پایان فصل سکوت مصلحت‌گرایانه او و بازگشت به مشی قاطع منتقدانه اوست که باعث و بانی آن، مسأله خطیر ناامنی‌های اخیر در شمال کشور بوده است.

سرپرست ولایت بلخ در این سخنان اخیر خود، انگشت اعتراض را به سمت سران حکومت وحدت ملی و شرکای استراتژیک افغانستان دراز کرد و با نقد این دو، راهکار نهایی خود را در قالب یک اولتیماتوم اعلان کرد. اشاره صریح او به این نکته بود که در صورتی که حکومت کابل برای مبارزه جدی با ناامنی‌های اخیر شمال

بالاخره عظامحمد نور، سرپرست ولایت بلخ هم لب به سخن گشود و با جدیت تمام، موضع خود را در قبال ناامنی‌های فراگیر اخیر در شمال کشور اعلان کرد. او این بار با انتقاد از وضعیت موجود در شمال افغانستان، از حکومت مرکزی خواست تا به جای حرف و سخن، وارد عمل شود؛ ورنه خود او به میدان خواهد آمد و با بسیج مردمی، اسب چموش ناامنی‌های اخیر در شمال کشور را افسار خواهد زد

وارد عمل نشود، او خود به میدان خواهد آمد و با بسیج مردم به این نابسامانی‌ها پاسخ خواهد داد. روی دیگر سخن آقای نور، با کشورهای متعددی بود که افغانستان با آن‌ها موافقت‌نامه استراتژیک امضا کرده، اما در این اوضاع دشوار افغانستان دست‌گیری نمی‌کنند. هرچند او در این سخنان از کشور مشخصی نام نگرفت؛ ولی نفس انتقاد از شرکای استراتژیک افغانستان در مراسم هفتادمین سالروز پیروزی شوروی سابق بر آلمان نازی، در کنسولگری روسیه، موضوعی قابل توجه است. این در حالی است که چند روز پیش، حنیف اتمر، مشاور شورای امنیت ملی در مجلس سنا خاطر نشان کرده بود که ایالات متحده به عنوان شریک استراتژیک

بالاخره عظامحمد نور، سرپرست ولایت بلخ هم لب به سخن گشود و با جدیت تمام، موضع خود را در قبال ناامنی‌های فراگیر اخیر در شمال کشور اعلان کرد. او این بار با انتقاد از وضعیت موجود در شمال افغانستان، از حکومت مرکزی خواست تا به جای حرف و سخن، وارد عمل شود؛ ورنه خود او به میدان خواهد آمد و با بسیج مردمی، اسب چموش ناامنی‌های اخیر در شمال کشور را افسار خواهد زد.

این اعتراض سرپرست ولایت بلخ در حالی بیان می‌شود که او چندی پیش در حمله‌یی خونبار به ریاست دادستانی این ولایت، از دست‌هایی کثیف برخی از مسوولان حکومت کنونی و حکومت پیشین در پس ناامنی‌های اخیر شمال یاد کرده بود و از حکومت مرکزی خواستار پیگیری جدی عاملان آن رویداد شده بود. این اظهارات، با عطف به لحن و فحوای کلام آقای نور در وضعیت نابسامان امنیتی کنونی در شمال کشور، از ابعاد مختلف قابل بررسی است.

اولین نکته‌یی که با این اظهارات به ذهن متبادر می‌شود، این است که این سرپرست مقتدر شمال، طی هشت ماه گذشته و پس از ختم به خیر شدن جنجال‌های انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، تا کنون مهر سکوت به لب زده بود و کمتر موضع‌گیری‌های این‌چنینی از خود نشان داده بود. شاید عمده‌ترین تصویری که بلااستثنا، همه یاران و مخالفان این فرمانده پیشین جهادی در شمال بر سر آن اتفاق نظر داشته باشند، چهره عمل‌گرا و قاطع او در طول فعالیت‌های سیاسی‌اش باشد که به شکلی زبان‌زد خاص و عام شده است. او همان سرپرست پُر نفوذی است که حتی به حکم رییس‌جمهور پیشین کشور تمکین نکرد و در زمانی که از سوی حامد کرزی از ولایت بلخ برکنار شد، همچنان بر کرسی خود باقی ماند. یادآوری این وصف او، جدا از ارزش‌دآوری‌های سیاسی، حقوقی و یا اجتماعی، به‌خوبی نشانگر حوزه نفوذ و اقتدار او در شمال کشور است. در زمان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری و جنجال‌های پس‌انتخاباتی سال گذشته نیز عظامحمد نور نقش قابل توجهی داشت. او که به گفته خودش حتی در برابر چک سفید

سخن‌ماندگار

ایده قابل تأمل

«کشورهای سوم و چهارم»

رفت‌وآمد مقام‌های بحرال و اسبق پاکستانی به افغانستان شدت یافته است. این سفرها که شامل سفر مقام استخباراتی پاکستان و دیدار پنهانی او با رییس‌جمهور غنی، و سفر آصف‌علی زرداری رییس‌جمهور پیشین پاکستان به افغانستان و دیدار او با مقام‌های دولت وحدت ملی‌ست، نشان می‌دهند که پاکستان تلاش‌هایی را که در آغاز کار دولت وحدت ملی سامان داده بود، از سر گرفته و می‌خواهد توجه افغانستان را دوباره به خود معطوف کند.

این تلاش‌ها بعد از آن سامان داده می‌شوند که پاکستانی‌ها به تعهدات‌شان برای رساندن افغانستان به ثبات، عمل نکرده‌اند و دولت افغانستان هم به دلیل برقراری رابطه بسیار عمیق با پاکستان مورد انتقاد قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد که سفر رییس‌جمهور غنی به هندوستان و بالا گرفتن اعتراض‌ها بر عملکرد پاکستان در منطقه و افغانستان سبب شده که پاکستانی‌ها به تلاش‌های دیپلماتیک‌شان به هدف قناعت دادن مقام‌های افغانستان شدت دهند، درحالی‌که در ساحه عمل هنوز آماده برداشتن هیچ گامی نشده‌اند.

در ماه‌های اخیر، مقامات سیاسی، نظامی و اطلاعاتی دولت پاکستان، سفرهای مکرر به کابل داشته‌اند و بارها تأکید کرده‌اند که پاکستان نقش اساسی‌یی را در روند صلح و ثبات افغانستان بازی می‌کند. حکومت افغانستان نیز معتقد است که پاکستان در پروسه صلح افغانستان، نقش اساسی را بازی می‌کند و توانایی حاضر کردن گروه طالبان در گفت‌وگوهای صلح را دارد. اما اظهارات مقام‌های دولت وحدت ملی نشان می‌دهد که تمام رویه‌ها و کنش‌های پاکستانی‌ها، به هدف اغفال مقام‌های افغانستان صورت گرفته و باعث شده حوزه جنگ گسترش یابد و طالبان و داعشی‌ها بیشتر تقویت شوند. سخنان اخیر آقای اشرف‌غنی احمدزی در کنفرانس خبری مشترکش با رییس‌جمهور کرواسی، نشان می‌دهد که سفرهای اخیر مقام‌های پاکستانی چندان موثر نبوده و اشرف‌غنی احمدزی امیدهایش به پاکستان را از دست داده و حتا به این باور رسیده است که دیگر از پاکستان چیزی ساخته نمی‌شود.

انتقال جنگ به شمال و انتقال جنگ‌جویان القاعده زیر نام داعش به شمال افغانستان به هدف ایجاد بستری برای نامن شدن آسیای میانه، نشان از آن دارد که پاکستان حوزه جنگ را وسیع ساخته و می‌خواهد برنامه‌های بسیار کلانی را روی دست گیرد. از این رو، افغانستان حالا به میدان جدید نبرد تبدیل شده و تروریسم بین‌المللی به توانی بالاتر از سال‌های پیش در افغانستان دست یافته است.

شواهد و مدارک بسیاری وجود دارند مبنی بر این‌که پاکستان توانایی ایجاد ثبات در افغانستان را ندارد و برنامه‌های کلان پاکستان نیز به هیچ عنوان نمی‌تواند تعدیل و تغییر یابد و یا انعطافی در سیاست عملی این کشور رونما گردد.

طرح «کشورهای سوم و چهارم» که به هدف بیرون شدن افغانستان از بحران و جنگ تحمیلی از زبان آقای رییس‌جمهور بیرون شده است، می‌تواند یک ایده قابل تأمل باشد؛ اما دست یافتن به این کشورهای سوم و چهارم بازم به نحوه تعامل و سیاست ما با پاکستان بسته‌گی دارد و این‌که دولت‌مردان افغانستان چه‌گونه می‌توانند به چنین استراتژی‌یی دست یابند.

هرچند این طرح می‌تواند افغانستان را به دست‌یابی به یک بدیل دیگر به‌جای پاکستان در منطقه سوق دهد؛ ولی اگر ناامنی‌ها افغانستان را همچنان در محاصره داشته باشد، دست یافتن به چنین امری بعید به نظر می‌رسد.

آقای غنی باید به پاکستانی‌ها به گونه صریح بگوید که دیگر زیر بار سیاست‌های دوپهلوی و غیرصادقانه آنان نمی‌رود و هرگز قرار نیست افغانستان از سطح یک کشور مستقل، به سطح صوبه پنجم پاکستان تقلیل یابد. آقای غنی باید این بار قاطعانه با پاکستان برخورد کند و آن کشور را مجبور به انجام تعهداتش در قبال افغانستان سازد.

عبدالحفیظ منصور

وجوه مشترک

بررسی این حوادث نشان می‌دهد که میان بازیگران سیاسی افغانستان وجوه مشترک فراوانی وجود دارد. به سخن دیگر، سیاستمداران افغانستان با تغییر نام و عنوان، یک مضمون و یک روش را پیوسته تکرار کرده‌اند.

پاره‌یی از نقاط مشترک میان بازیگران سیاسی کشور از این قرار اند:

- همه بازیگران آرمان‌گرا اند و وعده‌های کلان سر داده‌اند؛ مارکسیست‌ها در پی ایجاد جامعه سوسیالیستی بودند که در آن نیازمندی‌های اساسی همه رفع می‌باشد. تنظیم‌های جهادی و طالبان نوید جامعه اسلامی را دادند که افراد آن در اوج رفاه و آسایش مادی و معنوی زنده‌گی می‌کنند، به همین منوال سران «دولت جمهوری اسلامی افغانستان» از کشورهای غربی به‌حیث آینده افغانستان یاد می‌کردند.

- همه انقلابی‌اند؛ بازیگران سیاسی افغانستان همیشه تغییرات بنیادی و شتابان را روی دست گرفته‌اند، هدف را در چند قدمی پنداشته و تصور کرده‌اند که با یک خیز می‌توان کلیه مشکلات را مرفوع گردانید. برای آن‌ها برنامه‌های تدریجی و مرحله‌وار امری ناشناخته بوده؛ از این رو پیچ‌وخم‌های جامعه را ساده ساخته و همه بدین باور بوده‌اند که آن‌چه افغانستان کم دارد، زعامت و رهبری گروه آن‌هاست و با رسیدن آن‌ها به اریکه قدرت، دنیا گلستان می‌شود.

- روح انقلابی‌گری در میان نخبه‌های سیاسی افغانستان موجب آن گردید که همه چیز ویران گردد. اندیشه‌های مارکس در اروپا، جنبش‌های حامی کارگران را پرورد، اتحادیه‌هایی به نفع تهیدستان شکل داد، دست کارگران فقیر و مهاجران را گرفت؛ اما در افغانستان کشتارهای خونین برپا داشت و گورهای دسته‌جمعی تحویل داد. اسلام سیاسی که افغانستان را به محل آزمایش سلاح‌های کشنده و مرگبار تبدیل کرد، در تونس و ترکیه و مالیزیا موجی از تعاون و همبستگی در امر خدمت‌رسانی به مردم ایجاد نموده است. علمای دینی در گوشه و کنار عالم، تخم دوستی و محبت می‌کارند و مردم را به مهربانی و شفقت دعوت می‌دارند؛ لیکن طلبه‌های افغانستان، به گسترش ترور و تریاک می‌پردازند و بدین‌گونه شیوه‌های تازه‌یی از نقض حقوق بشر و دشمنی با فرهنگ و تمدن بشری را به نمایش می‌گذارند. تحصیل‌یافته‌های افغانستان در غرب که خود را با لیبرالیسم مانوس می‌دانند، به جای فرهنگ هم‌پذیری، تساهل و مدارا، کینه و نفرت تحفه آورده‌اند و هی از خود می‌گویند و به حلف دیگران دست می‌بازند.

- همه فعالان سیاسی افغانستان مایل به تغییرات از بالا به پایین بوده‌اند؛ همه کوشیده‌اند قدرت سیاسی را تصاحب بدارند و سپس با صدور فرامین دولتی، اهداف و برنامه‌های خویش را تطبیق کنند. این گروه‌ها هیچگاه به نقش و اهمیت کار فرهنگی و بسترسازی اجتماعی پی نبرده‌اند. از همین بابت است که هر یک از این گروه‌ها که قدرت سیاسی را از کف داده‌اند، قدر و منزلت خویش را نیز در نزد مردم باختند.

- جهان همه این گروه‌ها دو رنگه بوده؛ هرچه به خودشان تعلق داشته، سفید و نیکو و هرچه غیر از آن‌ها بوده، سیاه و زشت دیده‌اند. این دید، دآوری را برای هر یک از این گروه‌ها ساده و آسان ساخته؛ به گونه‌یی که خودی‌ها همه حق و دیگران سراپا باطل و گمراه بوده‌اند. همه این گروه‌ها خود را صاحب حق دانسته، و شناخت حق را امری روشن و بدیهی می‌پنداشتند، و دیگران از دید آن‌ها لشکر ظلم و تاریکی به حساب می‌آمدند.

- گروه‌های سیاسی افغانستان تمامیت‌خواه و انحصارطلب بوده‌اند؛ هر یک از این گروه‌ها وقتی قدرت را به‌دست گرفته‌اند، از نظام سیاسی گرفته تا سرود ملی، بانک‌نوت و رنگ پرچم را تغییر داده‌اند. همه این بازیگران قوانین جدید وضع داشته‌اند، مناسبات خارجی و داخلی افغانستان را دگرگون کرده‌اند، نصاب تعلیمی و حتا لباس مأمورین و کارمندان دولتی را نیز به میل و مذاق خویش سفارش داده‌اند. بدین صورت در میان همه گروه‌های سیاسی افغانستان، میل به یکسان‌سازی به درجات مختلف مشاهده می‌شود.

- هر یک از گروه‌های سیاسی، خود را عقل کل می‌دانستند، نسخه‌های آماده‌شده برای همه عصرها و نسل‌ها در اختیار داشتند و به پشتیبانی احساس نیاز نمی‌کردند؛ بنابراین سیاست حذف، سیاست همه آن‌ها بوده است.

- همه این گروه‌ها به نیروی ماوراءالطبیعی متکی بوده‌اند؛ تنظیم‌های جهادی و طالبان نصرت خداوند را پناهگاه خود می‌دانستند، مارکسیست‌ها به جبر تاریخ معتقد بودند. چنین طرز دیدی، آن‌ها را از آماده‌گی لازم بی‌نیاز کرده بود؛ زیرا فکر می‌کردند که با

روایت سوم در مذهب انقلاب

نگرشی جدید بر تاریخ نیم قرن

اخیر افغانستان

بخش دوم و پایانی



با خسارات کمتر کشور را سمت‌وسو می‌دادند؟ روایت سوم می‌گوید که آیا افغانستان پس از پنجاه سال جنگ و ویرانی از رهگذر سیاسی، اقتصادی، امنیتی و تعلیمی در وضعیت بهتری قرار گرفته و یا وضعیت بدتری؟

پرسش: جهاد و مقاومت افغانستان، تحولات اجتماعی زیادی را در افغانستان به بار آورد، جایگاه اقوام و زنان را بهتر ساخت، زمینه تبارز رهبرانی را از میان اقوام مختلف مساعد گردانید که در نبود این تحولات هرگز به‌دست نمی‌آمد. مگر به این دستاوردها راضی نیستید؟

پاسخ: هیچ‌کس منکر زیر و رو شدن افغانستان شده نمی‌تواند، اما باید سنجد که این تحولات تا چه پیمان به سود افغانستان بوده و تا چه حد به زیان کشور. سر بر آوردن چند خانواده و یا ثروتمند شدن چند کس، سندی برای پیشرفت و توسعه اجتماعی شده نمی‌تواند. برای آن که موضوع ساده‌تر گردد، از دانشجوی گرامی سوال می‌کنم «از وضعیت موجود کشور راضی هستی؟»

دانشجو: نه!

در صورت عدم رضایت‌تان دو راه در پیش دارید؛ یکی راه تجربه شده به‌وسیله گروه‌های سیاسی قبلی که به جنگ رو آوردند، خواستند از طریق اسلحه، گره مشکلات را بکشایند و کشور را به وضع مطلوب سوق دهند. اما راه دوم این است که طریق اصلاح مسالمت‌آمیز روی دست گرفته شود، هم‌پذیری و رو آوردن به کارهای سازنده و کوچک ترویج گردد و آهسته‌آهسته به سوی مقصد گام نهاده شود. شما در حال حاضر کدام شیوه را برمی‌گزینید و کدام راه را ترجیح می‌دهید؟

دانشجو: من جنگ نمی‌کنم، و جنگ و انقلاب را به نفع کشور نمی‌دانم.

روایت سوم، همین حرف شما را می‌گوید و بر ارجحیت اصلاح‌طلبی نسبت به انقلاب و پرخاش‌گری تأکید می‌دارد.

پرسش: کوتاه بگویید جهاد و مقاومت را قبول دارید یا نه؟

پاسخ: دست بردن از روی ناگزیری به اسلحه به‌خاطر دفاع، وجیهه انسانی است و هیچ فطرت سلیمی تن دادن به مرگ و تسلیم شدن به ناروای سرکش را نمی‌پذیرد. مشروعیت جهاد و مقاومت افغانستان در دفاعی بودن آن می‌باشد، و راهی جز آن در برابر مردم افغانستان وجود نداشت!

اصلاحی این راه را پیمود؟ من فکر می‌کنم، می‌شود!

پرسش و پاسخ

وقتی این بحث را طی یک سخنرانی ماهوار به دانشجویان گفتم، با پرسش‌هایی از این دست مواجه شدم:

پرسش: از سخنان شما برمی‌آید که از شرکت در جهاد و مقاومت پشیمان هستید، آیا چنین برداشتی درست است؟ پاسخ: پشیمانی یا رضایت من مطرح نیست، مسأله بسیار عام و سراسری است؛ وقتی اعضای بلندپایه حزب دموکراتیک خلق به غرب پناهنده می‌شوند و آن‌جا را برای زنده‌گی خویش برمی‌گزینند و شماری هم در دولت ساخت آمریکا به رقابت می‌پردازند، وقتی رهبران تنظیم‌های جهادی برای دوام حضور نیروهای امریکایی در افغانستان استدلال‌های دینی ارایه می‌دارند و با مارکسیست‌های دیروز همدست می‌شوند و بر سر یک سفره می‌نشینند، وقتی طالبان دسته دسته هدایای دول غرب را می‌پذیرند، وقتی لیبرال‌های این کشور در نزدیکی با جنگ‌سالاران و ناقضین حقوق بشر(؟) به رقابت می‌پردازند و در دادن امتیاز به آن‌ها از یکدیگر سبقت می‌جویند؛ معنی آن چیست و چه مطلبی را می‌رساند؟

از سوی دیگر، حزب دموکراتیک خلق و نهضت اسلامی افغانستان از استبداد شاه می‌گفتند، کلچه خوردن دختر شاه را در همه جا به عنوان عیاشی خانواده سلطنتی یاد می‌کردند، از رفتن محمداظهر به کاریز میر، پغمان و جاهای دیگر یاد می‌کردند و آن را نشانه بی‌اعتنایی به امور کشور و بی‌توجهی به حال مردم می‌خواندند و مدام می‌گفتند که شاه و شاهزاده‌ها به زن و شراب رغبت تمام دارند و این‌همه را دلایلی قاطع بر عدم مشروعیت نظام شاهی می‌خواندند.

اما روایت سوم از ما می‌طلبد که بررسی شود: «ظلم و بیداد شاه بیشتر بود و یا هر یک از اعضای حزب خلق... فرماندهان جهادی در حیف‌ومیل دارایی‌های عامه، خوش‌گذرانی و بی‌مهری نسبت به مردم دست بالا دارند و یا شاه؟ پله کدام یک سنگین‌تر است؟»

در یک کلام، روایت سوم در حالی که عرق‌ریزی و جان‌فشانی همه کسانی را که در راه دفاع از دین و آزادی میهن خویش رزمیده‌اند قدر می‌کند، این پرسش را نیز طرح می‌دارد که آیا راهی غیر از کودتا و انقلاب در برابر رهبران سیاسی افغانستان قرار داشت تا از آن طریق

به قدرت رسیدن آن‌ها، گره‌های موجود یکی پی دیگری گشوده می‌شود.

- همه این گروه‌ها با اتکا به حمایت کشورهای خارجی قدرت را در دست گرفتند. این خصیصه خشم، خشونت و انعطاف‌ناپذیری را در درون خویش نهفته دارد که حاصل آن؛ کشتار، ویرانی و درمانده‌گی بیشتر افغانستان می‌باشد.

- در درون همه بازیگران سیاسی افغانستان، اخلاص و دلسوزی نسبت به افغانستان موج می‌زند، در راهی که رفتند سرسختانه مبارزه کرده و هزاران تن از آن‌ها برای نیل به آرمان خویش، تا پای جان ایستادند. اما تجربه تاریخی به اثبات رساند که اخلاص و دلسوزی یک گروه را نمی‌توان شرط صحت یک ایدئولوژی و یا یک برنامه دانست.

- همه گروه‌های سیاسی متأثر از یک گفتمان بودند؛ یکی از مارکسیسم لنینیسم، دیگری از اسلام سیاسی، سومی از طالبانیسم و گروه اخیر هم از لیبرالیسم افراطی. به جای آن‌که این گفتمان‌ها در خدمت انسان این سرزمین قرار گیرد و اندکی از فقر و رنج آن‌ها را بکاهد، برخلاف، انسان‌های این مرز و بوم برده‌وار در خدمت گفتمان‌ها قرار گرفتند و به منظور تعالی آن‌ها به جان هم افتادند، یکدیگرشان را دریدند و سرانجام هم ایدئولوژی‌های مربوط را و هم افغانستان را به خاک سیاه نشاندند.

- سران همه گروه‌ها با درایت به جلب افکار پاره‌یی از مردم پرداختند، آن‌ها را استخدام کردند و در جهت اهداف و امیال خویش سوق دادند. هیچ‌یک از این بازیگران سیاسی با مراجعه به آرای مردم، اهداف خویش را مشخص نکرده و برنامه‌های کاری‌شان را از دهلیز رای و نظر مردم عبور ندادند. در موارد زیادی اهداف این اشخاص، به تقابل و رویارویی اقوام و باشنده‌گان مختلف کشور انجامیده و مصایب فراوانی را به بار آورده است. اما تاریخ‌نگاران و تحلیل‌گران صنف اول و دوم، مسوولیت این حوادث را به جای آن‌که به اشخاص حواله بدارند و حساب آن را از آن‌ها پس بگیرند، پای اقوام را در میان کشیدند و بدین ترتیب، گناه فرد را در پای جمع نوشتند که حاصل آن، زرع بدبینی و تنفر بیشتر میان اقوام ساکن افغانستان می‌باشد.

پرسش این است که آیا این تلاش‌های انبوه، افغانستان را گامی به جلو برده و وضعیت ما را بهبود بخشیده است، و آیا نمی‌شد به‌صورت مسالمت‌آمیز و با برنامه‌های

بخش هشتم

پایان بازی



بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد.

این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای امار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش آفرینی در منطقه و حضور در خانواده جهانی است که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود.

قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها ارایه شوند؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.

۳-۴-۱- **تشکل‌های سیاسی**
احزاب سیاسی در افغانستان کارنامه خوبی ندارند، به همین دلیل هم است که در سیزده سال گذشته با وجود تلاش‌های زیاد داخلی و خارجی و سرمایه‌گذاری‌های فراوان، هنوز احزاب سیاسی معیاری و مورد حمایت مردم در افغانستان شکل نگرفته‌اند.

تشکل‌های سیاسی (بیشترینه چپ و راست) در افغانستان، در اوایل نیمه اخیر قرن گذشته میلادی پا به عرصه وجود گذاشتند؛

ولی عوامل داخلی و بیرونی فراوانی سبب کشیده شدن پای این تشکل‌ها به صحنه‌های درگیری‌های خونین شد و به همین دلیل، اعتماد عامه بر احزاب سیاسی، جدا خدشه‌دار گردید.

در سال‌های پس از سرنگونی طالبان، تلاش‌های جسته‌گریخته‌یی به منظور تشکیل احزاب سیاسی مطابق معیارهای عصری یا احیای احزاب گذشته بر مبنای این معیارها و یا تجدید برخی از احزاب موجود در مطابقت با معیارهای عصری صورت گرفت که نتایج چندانی به همراه نداشت.

در حال حاضر، شماری از گروه‌هایی که حزب خوانده می‌شوند و در حقیقت، باقی‌مانده احزاب چپ و گروه‌های مجاهدین هستند، نفوذ بیشتری در میان مردم دارند؛ درحالی که از لحاظ ساختاری، نمی‌توان حزب سیاسی خطاب‌شان کرد، چون هنوز با معیارهای دوره بحران رهبری می‌شوند.

احزابی که ظاهراً تلاش شده با معیارهای عصری به وجود بیایند، کم نیستند؛ اما این احزاب نه نفوذی ندارند و نه هم برنامه‌هایی که بتواند در گام نخست به ایجاد نفوذ آن‌ها کمک کند و بعداً از طریق نفوذ به دست آمده، به تغییرات اجتماعی بپردازند. این احزاب بیشتر از سوی نهادهای غربی یا هم از سوی استخبارات منطقه و جهان تمویل می‌شوند و مبدل شدن‌شان به احزاب سیاسی با نفوذ، بعید به نظر می‌رسد.

حالا که قرار است نظام سیاسی افغانستان به نوعی مختلط پارلمانی و ریاست‌جمهوری مبدل شود، نیاز به ایجاد احزاب سیاسی معیاری، بیشتر از هر زمانی متصور است.

از همین حالا، تلاش‌هایی به هدف ایجاد این چنین احزاب آغاز شده. در این‌جا نام بردن از افراد یا گروه‌هایی که به تشکیل این چنین احزاب اقدام کرده‌اند، درست به نظر نمی‌رسد؛ ولی ما به سوی تشکیل حداقل چهار حزب سیاسی بزرگ روان هستیم که تا انتخابات آینده ریاست‌جمهوری و انتخابات پارلمانی بعد از آن، به دو قطب اصلی مبارزات سیاسی مبدل خواهند شد.

۴-۱- **اقتصاد**
از دید اقتصادی، افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان است؛ این در حالی است که ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی افغانستان در حدی است که می‌تواند اقتصاد این کشور را کاملاً متحول کند.

در نزدیک به یک و نیم دهه اخیر، افغانستان فرصت‌های خوب اقتصادی داشت.

کمک‌های میلیارد دلاری جامعه جهانی، سرازیر شدن بی حساب پول فیزیکی مورد نیاز اقتصاد جنگ، عواید ناشی از تولید و قاچاق مواد مخدر و مقدار اندکی سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، اقتصاد افغانستان را در مقایسه به دوران طالبان و سال‌های قبل از آن، متحول کرده؛ ولی نیاز است که حالا این اقتصاد کاذب - یا به تعبیری، پوقانه‌یی - به یک اقتصاد مبتنی بر پایه‌های اقتصادی مدرن که در جهان امروزی معمول است، تبدیل شود و برای این تغییر، شرایط نسبتاً قابل ملاحظه‌ای در حال ایجاد شدن است.

یکی از این ظرفیت‌ها، موقعیت ترانزیتی افغانستان است که می‌تواند به عنوان یک چهارراه میان آسیای میانه و جنوب شرق و غرب آسیا، نزدیک‌ترین مسیر مبادله کالاهای تجارتي باشد.

این موقعیت جغرافیایی - اقتصادی، تازه ایجاد نشده؛ ولی تحولات در منطقه ما فرصت استفاده از این موقعیت را بیشتر از هر زمان دیگری مساعت خواهد ساخت.

حضور چین به عنوان دومین اقتصاد برتر دنیا در همسایگی افغانستان، رشد اقتصادی هند، احتمال جهش دوباره اقتصادی ایران (در صورتی که مذاکرات هسته‌یی آن کشور با غرب به نتیجه برسد که به گمان اغلب و با توجه به نشانه‌ها و پیشرفت‌های موجود، خواهد رسید) و تلاش پاکستان برای احیای اقتصادش، نیاز استفاده از مسیر افغانستان برای این کشورها و همسایه‌گان دور و نزدیک دیگر افغانستان را به شدت افزایش می‌دهد.

یکی از نمونه‌های توجه به استفاده ترانزیتی از مسیر افغانستان، پروژه خط ابریشم است که چین بر آن تأکید دارد.

تلاش برای آماده‌سازی بندر چابهار برای استفاده تجاری افغانستان و توجه بر ایجاد شاهراه‌های تجارتي از چابهار تا آسیای میانه و وصل شاخه دیگر آن به پاکستان و از طریق آن کشور تا هند، در طرح‌های اقتصادی ایران، نمونه دیگری است که موقعیت افغانستان به عنوان یک شاهراه تجارتي را برجسته می‌سازد.

هند، پاکستان و کشورهای آسیای میانه نیز در این زمینه طرح‌هایی دارند؛ ولی همه این طرح‌ها به ثبات امنیتی افغانستان پیوند خورده، ثباتی که به نظر می‌رسد در سال‌های آینده تأمین خواهد شد. (در این مورد زیر عنوان امنیت و ثبات، توضیحات بیشتری داده می‌شود).

۴-۲- **امنیت و ثبات**
امنیت و ثبات، توضیحات بیشتری داده می‌شود.



بخش نخست



چه گونه مرد محبوب‌مان را برای ازدواج راضی کنیم؟

((ویژه بانوان))

هر بار که پشت میز رستوران، روبه‌روی او می‌نشینید، گمان می‌کنید که در یک جلسه خواستگاری قرار گرفته‌اید و این بار است که پیشنهاد آشنا شدن خانواده‌ها و رسمی شدن ارتباط را مطرح می‌کند. از اولین باری که چنین انتظاری را داشته‌اید، ماه‌ها یا سال‌ها گذشته و مردی که روزی شبیه شاهزاده رؤیاهای تان بود، هنوز هیچ حرفی از ازدواج نزده. گاهی دل‌تان می‌خواهد تمام کلیشه‌ها را کنار بگذارید و خودتان از او خواستگاری کنید و گاهی آن‌قدر از این رابطه دل‌زده می‌شوید که دل‌تان می‌خواهد این قرار، آخرین ملاقات شما باشد.

اگر شما هم این روزها را تجربه کرده‌اید، این‌بار راه‌هایی که ما پیشنهاد می‌کنیم را برای راضی کردن او به ازدواج امتحان کنید.

تکلیف‌تان را روشن کنید

اگر می‌خواهید فردی که دوستش دارید را به ازدواج راضی کنید، قبل از هر چیز باید بدانید که در کجای این رابطه قرار دارید. آیا شما و او در زمان شروع رابطه یا پس از آن، محدوده‌یی را برای این ارتباط مشخص کرده‌اید؟ آیا حرفی از ازدواج میان شما رد و بدل شده یا برنامه‌یی در این مورد ریخته‌اید؟ برای آن‌که به سمت ازدواج قدم بردارید، باید بدانید چرا با این شخص ارتباط دارید و چرا این رابطه را ادامه می‌دهید. گذشته از این، باید از خود پرسید که آیا او هم مانند شما هدف‌دار به ارتباط می‌نگرد یا خیر؟

مطمین‌ترین اقدامی که می‌توانید بکنید این است که از همان آغاز هدف‌تان را مشخص کنید و با فرد مقابل‌تان در این مورد به توافق برسید. روشن بودن تکلیف هر دوی شما، بسیاری از مشاجراتی که ممکن است در این دوران میان شما فاصله بیندازد را از میان می‌برد و از آن‌جا که هر دوی شما برای هدفی مشترک انرژی صرف کرده و تلاش می‌کنید، مانع از دل‌سردی و تردیدتان می‌شود.

هیچ وقت از مردها خواستگاری نکنید!

اگر از روزهای اول رابطه عبور کرده‌اید و هیچ هدف و فرجامی را هم تعریف نکرده‌اید، باید راه‌های دیگری را امتحان کنید. اگر هرچه صبر هم کنید خبری از پیشنهاد ازدواج نمی‌شود، بهتر است به صورت نا محسوس خواسته‌تان را بیان کنید. شاید پیشنهاد مستقیم ازدواج از طرف یک خانم در جوامعی مثل ما کاری درست نباشد و آغازگر مشکلات دیگری در رابطه شود، اما یک پیشنهاد غیرمستقیم، می‌تواند شما را چند قدمی جلوتر ببرد و تکلیف‌تان را تا اندازه‌یی روشن تر کند. اگر شما به یک مرد به صورت مستقیم پیشنهاد ازدواج دهید، معمولاً حالات دفاعی به خود می‌گیرد و عقب‌نشینی می‌کند؛ بنابراین بهتر است زمینه را مهیا کنید و کمی به انتظار بنشینید. برای شروع می‌توانید به ایده‌هایی که در زمینه ازدواج دارید اشاره کنید یا از این‌که ارتباط هدف‌دار را می‌پسندید صحبت کرده و به عکس‌العمل‌های او خوب توجه کنید. اگر مردی که حرف‌های شما را می‌شنود، صحبت را عوض کرد یا نشان داد که کاملاً عکس شما فکر می‌کند، بهتر است وقت خود را تلف نکنید!

منبع: پرشین پرشیا



که گوستاو یانوش در آن گفته‌های کافکا را از دیدارهای مکرر خود با او بازگو کرده است. در آن زمان، یانوش جوانی بوده است که می‌خواست در راه نویسنده‌گی گام بردارد و کافکا نویسنده‌یی بوده در سال‌های آخر زنده‌گی‌اش. زاینر استاچ، این مجموعه نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه و خاطرات دوستان و نزدیکان کافکا را خمیرمایه بیوگرافی او قرار داده است. جلد سوم در بیست‌وهشت فصل تنظیم شده است که گام به گام سعی کرده فضای زنده‌گی و فکری کافکا را از طریق حضور خود کافکا در آن فضاها بازسازی کند. کافکا در دهه سوم زنده‌گی خود، و تنها دمی قبل از مرگش با پدر و مادر خود زنده‌گی می‌کرد، به گفته استاچ زمانی که فرانتس ملافه‌های چروک والدین خود را می‌دید «که چند قدم آن طرف‌تر بودند، صبح‌های شنبه کمی حالت تهوع می‌گرفته است.» کتاب بیوگرافی استاچ، هم محققانه است و هم فضا سازی گیرایی از زنده‌گی کافکا می‌کند. این بازسازی فضا، عمدتاً بر توصیفاتی است که خود کافکا در لابه‌لای نامه‌ها یا یادداشت‌های روزانه ارایه می‌دهد. در واقع می‌توان گفت این بیوگرافی شاخ و برگ‌دار، روایت دوباره خود روایی به نام کافکاست.

کافکا به زبان فارسی

فرانتس کافکا نسبتاً زود به ایران راه یافت و کمابیش تمام

زنده‌گی کافکا به روایت پژوهش‌گری آلمانی

سعیده امیری

شاید به جرأت بتوان گفت که در قرن بیستم هیچ نویسنده‌یی نبوده است که از اقبال و شهرتی همچون فرانتس کافکا برخوردار شده باشد. نویسنده‌یی که تنها رمان کامل او «محاکمه» است و دو رمان «قصر» و «امریکا» ناتمام ماندند. این رمان‌ها زمانی به چاپ رسیدند که دیگر او در قید حیات نبود.

این اقبال و شهرت کافکا پس از مرگ او می‌تواند از دو نکته دریافت: آثار اندک کافکا به زبان‌های مختلف و گاهی با چند ترجمه مختلف در یک زبان منتشر شده‌اند. نکته دیگر، بی‌شمار کتاب‌هایی‌ست که درباره عقاید و زنده‌گی او نوشته شده است. می‌توان گفت تعداد کتاب‌ها و مقالاتی که درباره کافکا به زبان‌های متعدد نوشته شده، به اندازه یک کتابخانه بزرگ می‌رسند.

از آخرین کتاب‌هایی که درباره فرانتس کافکا نوشته شده است، بیوگرافی مفصلی‌ست که به زبان آلمانی در سه جلد تدوین شده و دو جلد آن چاپ شده‌اند.

راینه استاچ، نویسنده این بیوگرافی سه‌جلدی و محقق برجسته و نویسنده آلمانی است که پیش از آن‌که به نوشتن این سه جلد همت کند، ویراستار مجموعه آثار کافکا بوده است. بنابراین، به‌علاوه کار تحقیقی بر زنده‌گی‌نامه کافکا، بر آثار و افکار او احاطه داشته است.

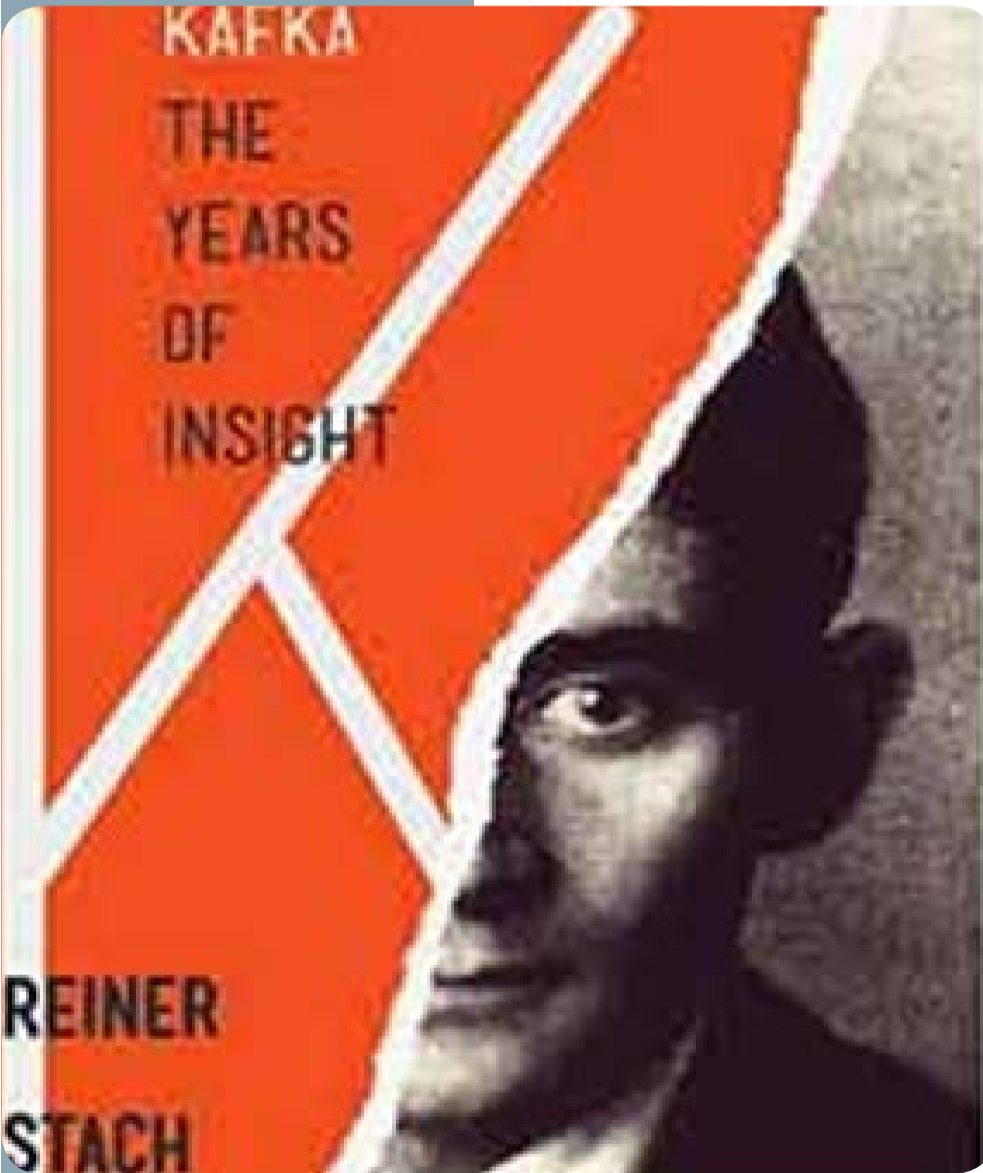
جلد اول به نام «کافکا: سال‌های بصیرت» به سال‌های پایانی زنده‌گی کافکا تا مرگ او (بین سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۴) می‌پردازد.

جلد دوم به نام «کافکا: سال‌های سرنوشت‌ساز» دوره نوجوانی و جوانی این نویسنده پراگی را مرور می‌کند و سرانجام جلد سوم قرار است دوره کودکی او را بررسی کند.

نخستین بیوگرافی از فرانتس کافکا را دوست دیرین و ناشر آثارش، ماکس برود نوشته است، همو که کافکا به او سفارش کرده بود، بعد از مرگش نوشته‌هایش را از بین ببرد، اما برود برخلاف وصیت کافکا همه نوشته‌های او از جمله نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه و رمان‌های ناتمامش به نام امریکا و قصر را به چاپ رساند.

استاچ در جلد سوم زنده‌گی‌نامه کافکا می‌نویسد: «ماکس برود تنها یک دوست دیرین نبود که کنار تخت بیماری کافکا حاضر شد، بلکه همچنین دنیایی را نماینده‌گی می‌کرد که با وجود تلاش‌های کافکا برای او غیرقابل عبور مانده بود.» (ص ۵۶۴)

فرانتس کافکا، به زعم این‌که نویسنده‌یی زیرپوستی و گرفتار در دنیای درونی خود است و قاعدتاً باید کم از او بدانیم، اما جزو معدود نویسنده‌هایی‌ست که همه مصالح



کار برای نوشتن یک زنده‌گی‌نامه یا ورود به دنیای درون خودش را به ارث گذاشته است. او علاوه بر ادبیات داستانی، صدها نامه و یادداشت از خودش به‌جا گذاشته که عموماً به تشریح وضعیت خودش مشغول است و نیز روح زمانه خود را نیز فراموش نکرده و آن را به ثبت رسانده است. درباره کافکا کتاب‌های بسیاری منتشر شده است، اما کتاب دیگری که محققان عموماً برای دریافت روحیات و آرای او به آن استناد می‌کنند، «گفت‌وگو با کافکا» است

ترجمه فارسی داستان «مسخ» زمانی در نخستین دوره مجله «سخن» منتشر شد که فرانتس کافکا هنوز نویسنده‌یی گمنام بود و آثار او نه تنها هنوز به هیچ زبان شرقی، بلکه حتی به خیلی از زبان‌های اروپایی هم ترجمه نشده بود. نخستین برگردان نوشته‌یی از کافکا در جاپان - که در شرق معمولاً پیشگام بوده - به سال ۱۹۵۰ برمی‌گردد و به زبان ترکی به سال ۱۹۵۵.

هدایت چند سال پس از انتشار مسخ، در سال ۱۳۲۷ خورشیدی (مقرن ۱۹۴۸ میلادی) مقدمه‌یی بلند بر داستان کوتاهی از کافکا به عنوان «گروه محکومین» (به ترجمه حسن قائمیان) نوشت، که آخرین اثر منتشر شده هدایت به شمار می‌رود. این نوشته بعدها به صورت رساله‌یی جداگانه به نام «پیام کافکا» انتشار یافت و پایه‌یی برای شناخت این نویسنده در ایران شد.

کمابیش تمام آثار فرانتس کافکا به زبان فارسی برگشته است. رمان‌های قصر و محاکمه و امریکا هر کدام سه یا چهار بار به فارسی ترجمه شده است. با وجود این، منتقدان و ادب‌دوستان هنوز جای برگردان‌هایی درست و شیوا از مهم‌ترین آثار کافکا را خالی می‌دانند.

برخی مترجمان ایرانی مانند فرامرز بهزاد و فرزانه طاهری، ترجمه‌های بهتری از داستان‌های کافکا به زبان فارسی عرضه کرده‌اند.

راینه استاچ سعی می‌کند در این کتاب، کافکاهای مختلف را کنار هم بگذارد تا خواننده در پایان به کافکای نزدیک به کافکا دست یابد. او از کافکای اهل پراگ، کافکای یهودی متمایل به صهیونیست، کافکای سوسیالیست، کافکایی که رابطه‌اش با زنان غامض است و هر از گاهی برای اطفای میل جنسی‌اش به فاحشه‌خانه‌ها پناه می‌برد، کافکای کارمند که کارش را دقیق انجام می‌دهد، کافکایی که شب‌ها می‌نویسد، کافکای گیاه‌خوار، کافکایی که پدرش را مستبد زورگویی می‌بیند، و کافکای بیمار می‌نویسد.

اگر کسی آثار ادبی کافکا را همراه با نامه‌ها و یادداشت‌هایش خوانده باشد، شاید این بیوگرافی حرف تازه برای او نداشته باشد، زیرا فضا سازی استاچ در واقع همان حرف‌های کافکاست اما چنین خواننده‌یی نادر است؛ بنابراین، این بیوگرافی می‌تواند همه حالات و مقامات کافکا را از یک رشته نخ عبور دهد، و خواننده یک‌جا آن را دریافت می‌کند.

به عنوان مثال، صحنه‌یی که نخستین علائم بیماری سل کافکا خود را نشان می‌دهد (فصل دهم کتاب)، چیزی‌ست که تنها خود کافکا شاهد آن بوده، زیرا نیمه‌شب او بعد از سرفه متوجه خونی می‌شود که از گلویش ترشح کرده، و تنها کسی که این صحنه را توصیف کرده، خود کافکا بوده است؛ بنابراین استاچ در این‌جا هیچ اطلاعات تازه‌یی ندارد که به خواننده بدهد، جز نوعی گردآوری از میان توصیفات خود کافکا.

استاچ این قول کافکا را در کتاب می‌آورد که می‌توان گفت اجمالی از زنده‌گی رنج‌آورش است: «زنده‌گی من دقیقاً یکنواخت است و در زندان درونی‌ام پیش می‌رود، به بیانی، آمیخته به نوعی بداقبالی سه‌گانه است. وقتی نمی‌توانم کاری انجام دهم، ناشاد هستم؛ وقتی می‌توانم کار کنم، زمان کافی ندارم؛ و زمانی که به امید آینده چشم می‌دوزم، مسأله بعدی که می‌دانم این است که ترس آن‌جاست، ترسی فراگیر، و سپس من کمتر قادرم کاری انجام دهم.» (ص ۱۷۰)

مترجم انگلیسی این دو کتاب، شلی فریش است که به دلیل ترجمه‌اش جایزه «انجمن زبان مدرن» را از آن خود کرد.

این کتاب‌ها را انتشارات دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۱۳ به چاپ رسانده است.

«نوشته‌هایم را ناخوانده بسوزانید»

بیشتر آثار معروف و مهم کافکا پس از مرگش منتشر شده است. او با سلیقه‌یی کمال‌گرا، آثار خود را ناتمام و غیرقابل نشر می‌دانست. به دوست نزدیک خود، ماکس برود وصیت کرده بود که نوشته‌هایش را بدون آن‌که خواننده شوند، به آتش بسپارد. برود به این وصیت عمل نکرد و به نشر آثار کافکا همت گماشت.

از کافکا در کنار ده‌ها داستان کوتاه، سه رمان بزرگ باقی مانده است:

رمان محاکمه که در سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ نوشته شده، برای اولین‌بار در سال ۱۹۲۵ منتشر شد. رمان قصر که در سال ۱۹۲۲ به نگارش درآمده و ناتمام مانده، در سال ۱۹۲۶ انتشار یافت، و رمان ناتمام «گم‌شده» که در سال ۱۹۱۲ نگاشته شده، در سال ۱۹۲۷ منتشر شد. ماکس برود نام امریکا را بر رمان اخیر گذاشت.

گرفته شده از: مد و مه، ۲۲ شهریور ۱۳۹۳

آثار او به زبان فارسی ترجمه شده است. صادق هدایت نویسنده نامی ایرانی به آثار فرانتس کافکا علاقه ویژه‌یی داشت و چند داستان او را به فارسی برگرداند. داستان نیمه‌بلند «مسخ» در سال ۱۳۲۲ خورشیدی (۱۹۴۳م) توسط صادق هدایت که در این زمان نویسنده‌یی شناخته شده بود، به زبان فارسی برگشت و بارها به چاپ رسید و شهرت زیادی پیدا کرد.

فیصله دادگاه درباره ۱۹...

هستند، روز یکشنبه اعلام خواهد شد. آقای مجددی گفت دوسه متهمان قتل فرخنده به بیش از ۲۰۰۰ ورق رسیده و بررسی همه جوانب قضیه به وقت بیشتر نیاز دارد. هفته گذشته، از جمله ۴۹ تن از متهمان قتل فرخنده، چهار تن به اعدام محکوم شدند، ۸ تن دیگر هر کدام به ۱۶ سال زندان مجازات گردیدند و ۱۸ تن دیگر تبرئه شدند. آقای مجددی تاکید کرد که در نتیجه محکمه هیچ بی گناهی نباید جزا ببیند و هیچ مجرمی نباید به دلیل بی دقتی از مجازات معاف شود. فرخنده تقریباً دو ماه پیش به اتهام آنچه «قرآن سوزی» خوانده شد، توسط مردان خشمگین در مرکز شهر کابل به قتل رسید و جسدش سوزانده شد. هنگام ارتکاب قتل فرخنده، ماموران پولیس حضور داشتند اما ویدیوهای ضبط شده نشان می دهند که گویا این افراد در جلوگیری از قتل کوتاهی کرده اند. خانواده فرخنده اعلام کرد که از این فیصله راضی نیست و همه متهمان مجازات نشده اند. حداقل سه تن از افرادی که در قتل فرخنده دست داشته اند هنوز بازداشت نشده اند. ریاست امنیت ملی چند روز پیش از آغاز محاکمه متهمان قتل فرخنده اعلام کرد که یک تن از عاملان قتل را که با موتر از روی بدن فرخنده عبور کرده، از ولایت کاپیسا بازداشت کرده است ولی این فرد در محکمه حاضر نبود. غیابت این فرد، سوال هایی را در مورد این محکمه برانگیخته است. اما صافی الله مجددی رییس محکمه ابتدایی روز یکشنبه، ۲۰ ثور ۱۳۹۴، در یک کنفرانس خبری گفت که همه فیصله ها عادلانه است: «هیات قضایی اطمینان می دهد که با کمال صداقت و ایمان داری... این موضوع را در چوکات قانون بی طرفانه تصمیم خواهند گرفت و اعلام خواهند کرد».

رد اتهامات شماری از فعالان مدنی و حقوقدانان گفته اند شواهد نشان می دهد که ۱۸ تنی که از سوی محکمه بی گناه شناخته شده اند، در روز قتل حاضر بوده و نقش داشته اند؛ اما قاضی محکمه گفت هر کسی که در این ارتباط اظهار نظر می کند باید از قوانین آگاه باشد زیرا به گفته او ابراز نظر درباره محکمه با تحلیل کردن مسایل دیگر فرق دارد. مجددی گفت: «در محل واقعه این ۱۸ تن دیده نشده و هیچ کسی ثابت کرده نمی تواند. علیه این افراد هیچ کس عریضه نکرده و دعوائی ندارد. هیچ کسی نگفته که این افراد سنگ زدند، چوب زدند و یا جسد را در دادند».

اوضاع مهاجرین بهتر...

هرگاه مهاجرین افغانی که به گونه اجباری از ایران، پاکستان و کشورهای اروپایی اخراج می شوند، سازمان جهانی مهاجرت ما را کمک خواهد کرد تا سهولت هایی را برای آنان در زندگی شان فراهم سازیم. همچنین نورا تامسو، معاون سازمان جهانی مهاجرت یا «IOM» در افغانستان گفت که به همکاری های شان برای کاهش مشکلات مهاجرین افغانی ادامه می دهند. وی تصریح کرد: «ما خرسند هستیم که حکومت افغانستان را در این بخش یاری رسانیم و به منظور پایان چالش ها فرا راه مهاجران، ما به کمک های مان به این کشور ادامه می دهیم». بر اساس آمار وزارت مهاجرین و عودت کننده گان، هم اکنون ۱.۶ میلیون مهاجر افغانی که اسناد قانونی به دست دارند؛ در پاکستان و ۱ میلیون تن دیگر بدون داشتن مدرک قانونی در این کشور به سر می برند. ۱.۱ میلیون افغانی نیز در ایران اسناد قانونی دارند و ۱ میلیون تن دیگر بدون مدرک در این کشور، مهاجر هستند که این موضوع مشکلات زیادی را برای آنان به وجود آورده است.

هشدار رییس اجرایی دولت وحدت ملی:

بی دقتی در اصلاح نظام انتخاباتی چالش آفرین است

از تشکیل حکومت وحدت ملی جایگاه بین المللی افغانستان به صورت جدی تغییر کرده است. جلد های آقای کرزی بر افکار عمومی در کشورهای اعضای ناتو و ائتلاف بین المللی تاثیرات منفی داشت و کار ما برای همکاری با افغانستان را دشوار می ساخت. در افغانستان تغییرات جدی را می بینم. اعمار و رشد آموزش و پرورش به صورت آشکار قابل دید است. نیروهای امنیتی افغانستان مسوولیت امنیتی را به دوش گرفته اند. ولی به رغم این هنوز هم در زمینه فساد اداری و ارایه خدمات، شکایت هایی وجود دارد. کولیندا گرابار-کیتاروویچ در ادامه صحبت هایش افزود: «بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی زمینه همکاری های بیشتری میان افغانستان و جامعه بین المللی فراهم گردیده است. صدای واحد و حکومت فراگیر و همه شمول وحدت ملی زمینه این همکاری را بیشتر از پیش مساعد ساخته است. بر همین اساس کرواسیا آماده است همکاری های خویش را در عرصه های مختلف به خصوص در بخش کمک به خانم ها و توانمندسازی و آموزش و پرورش آنان ادامه دهد».

رییس جمهور کرواسیا در مورد کمک های کشور گفت: کشورش پنجاه فیصد کمک های توسعه ای خویش را در افغانستان به مصرف می رساند و از همین رو نیاز است که روابط اقتصادی دو کشور گسترش روابط اقتصادی تاکید کرد.

نمود سبب شده است که در عرصه های مختلف به اعتبار افغانستان افزوده شود. رییس اجراییه کشور همچنان به مساله روند صلح پرداخت و تاکید کرد که حکومت به تلاش هایش ادامه می دهد اما این کوشش ها زمانی نتیجه مثبت خواهد داد که همه طرف ها در سخن و عملکردشان صداقت داشته باشند. داکتر عبدالله در این دیدار یکبار دیگر تصریح نمود که حکومت وحدت ملی تلاش ها برای تامین صلح و ثبات در کشور را به گونه یی پیش خواهد برد که دستاوردهای سالیان گذشته مردم افغانستان قربانی نشوند. همچنین، رییس اجرایی دولت وحدت ملی در دیدار با رییس جمهوری کرواسیا گفت که به دلیل تاخیر اصلاحات در نظام انتخاباتی، انتخابات پارلمانی به تعویق می افتد و حکومت وحدت ملی متعهد است روند اصلاحات را در هرچه زودتر تکمیل و انتخابات شفاف و سراسری را در کشور راه اندازی نماید. داکتر عبدالله در این دیدار گفت: «حکومت وحدت ملی بعد از تکمیل کابینه به طور جدی به حکومتداری خوبریال ارایه خدماتریال مبارزه با فساد و اصلاحات در سراسر کشور می پردازد و به وعده هایش به مردم در جریان انتخابات عمل می کند».

رییس جمهور کرواسیا در این دیدار گفت: «بعد

رییس اجرایی دولت وحدت ملی هشدار داده است که بی دقتی در راستای اصلاح نظام انتخاباتی برای حکومت چالش آفرین خواهد بود. داکتر عبدالله عبدالله دیروز در دیدار با تم جانستن رییس بخش آسیایی گروه بین المللی بحران، همچنان گفت که آوردن اصلاحات همه جانبه و اساسی در نظام انتخاباتی و دیگر مسایل مرتبط با آن، مستلزم اراده قاطع سیاسی رهبری حکومت وحدت ملی است. براساس خبرنامه ریاست اجرایی، آقای جانستن در این دیدار وضعیت موجود در کشور را قناعت بخش و ایجاد حکومت وحدت ملی را عاملی برای جلوگیری از بحران عنوان نمود. وی افزود که افغانستان از شرایط دشواری عبور نموده و حالا زمان آن است که حکومت وحدت ملی از فرصت هایی که پیشرو دارد استفاده سالم نماید. آقای جانستن به ادامه سخنانش به روند صلح پرداخت و همکاری صادقانه همسایه های افغانستان و کشورهای منطقه را شرط اصلی تامین صلح و ثبات دایمی در افغانستان دانست. در همین حال، عبدالله عبدالله، به بیان و تشریح فرصت ها و دستاوردهایی که حکومت وحدت ملی در مدت کوتاهی که به کار آغاز نموده است پرداخت و علاوه کرد: ارتباطاتی که حکومت وحدت ملی پس از ایجاد با جامعه جهانی تامین

رییس دولت وحدت ملی:

به نمایندگی از جهان با تروریسم می جنگیم

بدخشان تمویل می کند. **جنگ به نمایندگی از دیگران** رییس جمهور افغانستان گفت در حال حاضر این کشور به نمایندگی از کشورهای همسایه، منطقه و جهان با تروریسم می جنگد. آقای غنی گفت اعمال وحشیانه یی مانند سر بریدن را که در افغانستان انجام می شود، کسانی انجام می دهند که به این کشور تعلق ندارند. به باور رییس جمهور افغانستان جنگ در این کشور زمانی به پایان می رسد که افغان ها به صورت دقیق مسایل داخلی را تحلیل کنند و برای آن راه حل بسنجند. رییس جمهور غنی گفت بخشی از مشکلات افغانستان عنصری هستند که با قانون اساسی و دموکراسی مخالفت دارند. غنی گفت با آن که افغانستان دارای قانون اساسی اسلامی است و هیچ کشوری چنین قانونی که بر ارزش های اسلام در آن تاکید شده باشد، وجود ندارد ولی گروه هایی که مخالف این قانون هستند، حکومت را قبول ندارند. رییس جمهور غنی گفت: «ما در پی این هستیم که به صورت اساسی و اصولی فضای ملی آماده است و این فضا مستحکم تر شود. جنگ راه حل مسایل داخلی نیست؛ [بلکه] تنها یک سیاست منسجم و مدبرانه که بتواند همه افغان ها را به آغوش خود بگیرد. برای بیرونی ها باید یک راه بیرونی پیدا شود».

آقای غنی گفت یک پیمان امنیتی و اقتصادی باید در منطقه به وجود آید زیرا به گفته او خطراتی که فعلا

در افغانستان وجود دارند، در این کشور محدود نمی مانند. او گفت که مردم افغانستان ۳۶ سال رنج برده اند و حالا افغان ها حق دارند که نفس بکشند. **افغانستان قربانی اقتصاد جرمی** رییس جمهور افغانستان گفت مافیای بین المللی مواد مخدر سالانه مبالغ هنگفتی را از تجارت مواد مخدر افغانستان به دست می آورند ولی افغان ها قربانی اصلی این تجارت هستند: «عناصر مختلف با هم یک جا شده اند تا یک جنگ تحمیلی را به وجود آورند. یکی از این عناصر اقتصاد جرمی جهانی است. امروز اقتصاد جرمی بی امنی می خواهد و اقتصاد جرمی بستر حرکت و انتقالات حرکت های تروریستی بین المللی را به وجود آورده است».

رییس جمهور افغانستان گفت قاچاقبران بین المللی، بیشترین نفع را از مواد مخدر تولید شده در افغانستان می گیرند ولی مردم قربانی تولید مواد مخدر شده اند. اشرف غنی گفت یک تحقیق تازه نشان می دهد که پنج درصد جوانان افغان در شهرها و سیزده درصد در روستاها به مواد مخدر معتاد شده اند و همین جوانان به عنوان ابزار جنگ در درست تروریسم استفاده می شوند و این جوانان به «سربازان بی ثباتی» تبدیل می شوند. رییس جمهور افغانستان مواد مخدر را «خطر بزرگ» خواند و گفت آن روزها گذشته است که افغان ها فکر می کردند تریاک تولید شده در افغانستان تنها مردم کشورهای دیگر را معتاد می کند.

رییس جمهور افغانستان می گوید این کشور قربانی یک جنگ تحمیل شده است و در صورتی که کشورهای منطقه برای مبارزه با تروریسم همکاری نکنند، جنگ در افغانستان محدود نخواهد ماند. شورای امنیت ملی افغانستان اخیراً اعلام کرد گروه های تروریستی از کشورهای مختلف در ولایات شمال این کشور جایجا شده اند. حنیف اتمر مشاور امنیت ملی هفته گذشته گفت هدف اصلی گروه های تروریستی یافتن پناهگاه در ولایات هم مرز افغانستان با چین، تاجیکستان و ازبکستان است تا به این کشورها نفوذ کنند. بر اساس اظهارات مشاور امنیت ملی افغانستان، «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» می خواهد وارد چین شود، «انصارالله» به تاجیکستان برود، و «تحریک اسلامی ازبکستان» می خواهد به کشورهای آسیای میانه و بالاخره روسیه نفوذ کند. اشرف غنی رییس جمهور افغانستان که روز یکشنبه، ۲۰ ثور، در یک کنفرانس مشترک خبری با رییس جمهور کرواسیا در کابل گفت شبکه های تروریستی همه کشورهای منطقه را هدف قرار می دهند: «شبکه بین المللی تروریسم که تمام همسایه های ما را از هند تا روسیه هدف قرار می دهد، امروز می خواهد که از خاک ما برای بی ثباتی منطقه، دنیای اسلام و بی ثباتی بین المللی استفاده کند».

کلیندا گرابار کیتاروویچ، رییس جمهور کرواسیا که به کابل سفر کرده در این کنفرانس گفت که کشورش به همکاری های خود ادامه خواهد داد و در حال حاضر پروژه های آموزشی را در ولایت

ساخته شد، دسترسی به جاده گارلند افغانستان حاصل می شود. این پروژه دسترسی جاده یی به ۴ شهر کلیدی افغانستان مانند هرات، قندهار، کابل و مزارشریف را فراهم می کند. بندر چابهار زمان و هزینه حمل و نقل برای کالاهای هندی به آسیای میانه و کشورهای حاشیه خلیج فارس را تا میزان یک سوم کاهش می دهد. در سفر اشرف غنی رییس جمهور افغانستان به هند، نخست وزیر این کشور اطمینان داد که دهلی نو برای ساخت این بندر متعهد خواهد ماند.

سیستم شبکه جاده یی گارلند افغانستان با یک راه آبی و تحرکی در تلاش های بشردوستانه و بازسازی افغانستان را فراهم می کند. دسترسی افغانستان به یک مسیر آبی موجب می شود که این کشور به بازارهای منطقه یی و جهانی متصل شود. حسن روحانی در دیدار با گادکاری ضمن اشاره به پیشینه تاریخی ایران و هند گفت که میزان همکاری های دوجانبه روز به روز گسترش خواهد یافت. بندر چابهار با استفاده از شبکه جاده یی ایران به «زرنج» افغانستان متصل می شود، سپس با استفاده از جاده زرنج - دلارام که توسط هند در سال ۲۰۰۹ میلادی

هند قصد دارد ۲ محل بارگیری کشتی در چابهار را به مدت ۱۰ سال اجاره کند. محل های بارگیری کشتی ها در این بندر قرار است از طریق «وسایل حمل و نقل با اهداف خاص» با سرمایه ۸۵،۲۱ میلیون دالر به پایانه کانتیر و پایانه چند منظوره محموله کشتی تبدیل شود. با امضای این تفاهنامه، مقامات هندی و ایرانی در موقعیتی قرار می گیرند که می توانند مذاکرات را برای نهایی شدن قراردادهای تجاری و استفاده شرکت های هندی از ۲ محل بارگیری در چابهار آغاز کنند. دسترسی کانتینرهای کاربردی و پایانه چند منظوره محموله های کشتی در بندر چابهار زمینه جایگزینی

پاکستان دور زده...

و نقل جاده یی هند گفت: از سرگیری همکاری های ایران - هند در بندر جنوبی چابهار در ایران موجب بازگشایی فصل جدیدی در روابط تهران - دهلی نو می شود. چابهار بندر جنوبی واقع در ولایت سیستان و بلوچستان سود فراوانی برای هند دارد زیرا دهلی نو از طریق این بندر می تواند با دور زدن پاکستان، دسترسی آبی و خاکی به افغانستان پیدا کند. هزینه های هند با استفاده از بندر چابهار به ویژه برای جابجایی نفت خام کاهش می یابد.



مورینیو:

از فرگوسن و ونگر تقلید نمی‌کنم

دروازه بان والنسیا رکورددار مهار پنالتی



دروازه بان والنسیا با مهار پنالتی کریستیانو رونالدو به رکورد دروازه بان پیشین بارسلونا رسید. دیدار تیم های رئال مادرید و والنسیا از هفته سی و ششم رقابت های لیگ فوتبال اسپانیا با تساوی دو بر دو به پایان رسید. در این دیدار ابتدا والنسیا دو بار دروازه رئالی ها را باز کرد. فرانچسکو آکاسر ۲۰ و خاوی فونگو ۲۶ برای خفاش ها گلزنی کردند اما گل هایشان را پیپه ۵۶ و ایسکو ۸۴ جبران کردند تا رئال هم از این دیدار خانگی امتیاز بگیرد. ثانیه های پایانی نیمه نخست بود که داور مسابقه به خاطر خطایی که روی گرت بیل، هافبک ولزی رئال مادرید انجام شد، یک ضربه پنالتی به سود رئال اعلام کرد. کریستیانو رونالدو پشت ضربه قرار گرفت و در حالی که می توانست شمار گل های زده اش در لیگ اسپانیا را در این فصل به ۴۳ برساند با از دست دادن پنالتی هم خود و هم تیمش را ناکام گذاشت. دیگو آلوز، دروازه بان ۲۹ ساله و برزیلی والنسیا ضربه مهاجم پرتغالی رئال مادرید را مهار کرد تا ضمن بسته نگه داشتن دروازه اش در نیمه نخست، به رکورد آندونی زوبی زارتا، دروازه بان پیشین بارسلونا در مهار پنالتی ها برسد. آلوز اکنون با مهار ۱۶ ضربه پنالتی، با رکورد زوبی زارتا مساوی کرده است. او می تواند با مهار یک ضربه پنالتی دیگر، در زمینه گرفتن پنالتی ها رکورددار شود.

به نظر می‌رسد. وقتی در ایتر ایتالیا بودم، این حرف‌ها را ندم چون نمی‌خواستم. در رئال مادرید هم نماندم چون نمی‌خواستم اما اکنون می‌خواهم بمانم. واضح است. تیم مورینیو در این هفته از رقابت‌های لیگ برتر انگلیس با لیورپول روبه‌رو خواهد شد. سرمربی آبی‌های لندن تاکید کرد با وجود اینکه سال‌های زیادی برای پیروزی بر این تیم انگیزه داشته است اما در حال حاضر و با توجه به قهرمانی تیمش نمی‌خواهد این کار را انجام دهد. مورینیو هنوز هم از گلی که لویس گارسیا در سال ۲۰۰۵ وارد دروازه چلسی کرد ناراحت است. البته بعدها معلوم شد توپی که گارسیا زده بود از خط دروازه نگذشت اما داوران آن مسابقه، با اعلام گل موجب شد لیورپول راهی نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا شود.

درگیری‌های لفظی مورینیو با رافائل بنیتس، سرمربی پیشین لیورپول بسیار معروف است. بنیتس که بعد از مربیگری در لیورپول، در ایتر جانشین مورینیو شد و سپس مدتی کوتاه هدایت چلسی را به دست گرفت و این تیم را به قهرمانی در لیگ اروپا رساند، همواره مورد هجوم نیش‌های مورینیو قرار گرفته است. چلسی در فصل گذشته نیز با پیروزی بر لیورپول، آنها را از کورس قهرمانی عقب انداخت. آقای خاص تاکید کرد در صورت پیروزی بر لیورپول به هیچ وجه از این مساله زیاد خوشحال نمی‌شود.

او در این مورد گفت: نه، هیچ مساله شخصی وجود ندارد. به هیچ وجه. فکر می‌کنم مردم از لیورپول انتظار دارند قهرمانی در لیگ را به دست آورد چون زمان زیادی است که قهرمان نشده‌اند. باشگاه بزرگی مانند لیورپول، هواداران زیادی دارد. این هواداران فقط در شهر لیورپول زندگی نمی‌کنند. آنها یک تیم بین المللی هستند. یک باشگاه جهانی که هوادارانش دوست دارند این تیم جام بگیرد. طبیعی است.

مورینیو سپس به صحبت در مورد اتفاق‌های هفته گذشته لیورپول پرداخت. برخی از هواداران لیورپول بنرهایی در دست داشتند که برندان راجرز، سرمربی قرمزها باید اخراج شود. برخی از این بنرها توسط هوایماهای کوچکی بالای ورزشگاه آنفیلد پرواز می‌کردند. آقای خاص به شوخی در این مورد گفت که اگر بنرهایی در مورد اخراج او از چلسی نوشته شوند، همه آنها را به پایین خواهد کشید.

مورینیو در این باره گفت: برخی‌ها پول خرج می‌کنند و از این نوع هوایماها می‌خرند تا به این روش از مربیان تیم‌هایشان انتقاد کنند. اگر روزی بالای ورزشگاه استمفوردبریج از این مدل هوایماها باشد که رویش نوشته باشد «ژوزه، اینجا را ترک کن»، بدون شک موجب سقوط آن هوایمای کوچک می‌شوم!



سرمربی چلسی تاکید کرد برایش غیر ممکن است بتواند ادامه دوران مربیگری اش را در این تیم بماند.

ژوزه مورینیو که توانست آبی‌های لندن را پس از پنج سال بار دیگر به عنوان قهرمانی در لیگ برتر انگلیس برساند، در آستانه امضای قرارداد جدیدی با این تیم است اما به نظر نمی‌رسد مانند الکس فرگوسن که ۲۶ سال در منچستر یونایتد مربیگری کرد یا مثل آرسن ونگر که ۱۸ سال است در آرسنال حضور دارد، او نیز بخواهد مدتی طولانی را در استمفوردبریج بگذراند. مورینیو بر این باور است دوره مربیانی که بیش از یک دهه در یک تیم می‌مانده‌اند، گذشته است.

مورینیو در این باره گفت: این مساله در فوتبال غیرممکن است. در فوتبال مدرن نمی‌توان اینطور بود. فکر می‌کنم انجام این کار، خیلی سخت است. اکنون در چلسی هستم و می‌خواهم در این تیم بمانم. آقای آبراموویچ در مورد همه چیز تصمیم می‌گیرد و در واقع، سرنوشت من هم در دستان اوست. او هیچ فشاری به من نمی‌آورد. قرار نیست او به خاطر نتیجه‌هایی که گرفتم فردا به من زنگ بزند. نیازی هم نیست که پول بیشتری به من بدهد. نیازی به نگرانی نیست که سایر باشگاه‌ها برای به خدمت گرفتن من وارد عمل شوند. آبراموویچ نباید نگران هیچ چیزی باشد. همه چیز به خودش مربوط است. اگر بخواهد اینجا بمانم، من هم می‌مانم. وقتی هم مرا نخواهد، می‌روم. همه چیز هم برای من و هم برای او ساده

آنچلوتی:

تاوان اشتباهات خود را دادیم



سخت باشد. آنچلوتی درباره این دیدار حساس که قرار است چهارشنبه برگزار شود، گفت: روز چهارشنبه در حالت خوبی قرار خواهیم داشت. همه ما از این نتیجه‌ای که برابر والنسیا به دست آوردیم احساس ناامیدی می‌کنیم اما به خود اطمینان داریم چرا که بازی خوبی را به نمایش گذاشتیم. اگر بتوانیم همین نمایش را در دیدار برابر یوونتوس هم داشته باشیم بدون شک به فینال برلین صعود خواهیم کرد.

آنچلوتی درباره آسیب دیدگی تونی کروس هم گفت: امیدواریم که آسیب دیدگی تونی کروس جدی نباشد و او بتواند در دیدار برابر یوونتوس تیم را همراهی کند. همین شرایط برای کریم بنزما هم وجود دارد. او هم کمی احساس درد دارد اما به احتمال زیاد به دیدار برابر یوونتوس می‌رسد.

در دیدار رئال مادرید برابر والنسیا حاضران در ورزشگاه بار دیگر علیه ایگر کاسیاس سنگربان باتجربه رئال شعار دادند تا نشان دهند که از عملکرد دروازه بان باتجربه خود رضایت ندارند. آنچلوتی در این باره گفت: کاسیاس بازی خوبی را به نمایش گذاشت. ما روی توپ‌های ارسالی به خوبی جایگیری نکردیم و همین باعث شد تا بازنده این دیدار باشیم. هنوز در خط دفاعی مشکل داریم و باید در دیدار برابر یوونتوس بی نقص ظاهر شویم.

سرمربی ایتالیایی رئال مادرید معتقد است تیمش نمایش خوبی برابر والنسیا داشته و با تکرار این نمایش می‌تواند تیمش را در فینال لیگ قهرمانان اروپا ببیند.

رئال مادرید در حساس ترین هفته‌های رقابت‌های لیگ امتیاز از دست داد و تا حدودی می‌توان این تیم را دور از عنوان قهرمانی دانست هر چند در فوتبال هیچ چیز قابل پیش بینی نیست. کلهکشان‌ها که در هفته سی و ششم رقابت‌های لیگ در ورزشگاه خانگی خود از والنسیا پذیرایی کردند با تساوی دو بر دو متوقف شدند و دو امتیاز حساس از دست دادند تا اختلاف این تیم با بارسلونای صدرنشین دو هفته مانده به پایان رقابت‌های لیگا به چهار امتیاز برسد.

کارلو آنچلوتی سرمربی ایتالیایی رئال مادرید، هر چند تیمش نتوانست در این دیدار به پیروزی برسد اما به نظر می‌رسد که از عملکرد شاگردانش رضایت دارد. او در نشست خبری بعد از بازی گفت: هر چند بازی خوبی را به نمایش گذاشتیم اما نتیجه اصلا خوب نبود. فرصت‌های زیادی را روی دروازه حریف خلق کردیم اما در زدن ضربات آخر ناکام بودیم. برای پیروزی در این دیدار به میدان رفته بودیم و تا پایان بازی هم جنگیدیم. شایسته پیروزی بودیم اما در نهایت این والنسیا بود که توانست یک امتیاز به دست آورد. به هر حال این فوتبال است و باید با آن کنار آمد.

او ادامه داد: تاوان اشتباهات خود را دادیم. چند اشتباه کوچک داشتیم و همین کافی بود تا نتوانیم در این دیدار به پیروزی برسیم. در نیمه دوم واکنش بسیار خوبی داشتیم. بازیکنان رئال مادرید در این دیدار هر آنچه در توان داشتند رو کردند. دو گل به ثمر رساندیم و یک ضربه پنالتی هم خراب کردیم. گاهی اوقات یک

تیم با وجود آنکه شایسته پیروزی است اما نمی‌تواند پیروز شود. الان دیگر رقابت‌های لیگا بسیار پیچیده شده است. هنوز دو بازی دیگر باقی مانده است و باید نهایت تلاش خود را به کار گیریم تا در این دو بازی

«ملک» «امام» شد



دیوان پادشاهی عربستان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد لقب سلمان بن عبدالعزیز از «ملک» به «امام» تغییر می‌کند. به گزارش خبرگزاری رسمی عربستان (واس)، دیوان پادشاهی عربستان در بیانیه‌ای اعلام کرد که سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه این کشور تمایل دارد که لقب خود را از ملک سلمان به «امام سلمان» تغییر دهد.

در این بیانیه آمده است: با توجه به تمایل سلمان بن عبدالعزیز برای تغییر لقب ملک، لقب وی پس از ارائه لقب جدید به هیات علمای عربستان تغییر خواهد کرد. هیات علمای عربستان نیز توافق کردند لقب سلمان بن عبدالعزیز از ملک به امام تغییر یابد و لقب رسمی پادشاه عربستان امام سلمان بن عبدالعزیز شود.

بان کی مون: رایه فرمول صحیح برای اصلاحات در شورای امنیت بسیار دشوار است

دبیرکل سازمان ملل در مصاحبه‌ی اختصاصی با خبرگزاری ایتارتاس گفت، بحث‌ها درباره اصلاح ضروری شورای امنیت کاملاً درست است اما پیشنهاد یک فرمول صحیح، وظیفه بسیار دشوار و پیچیده‌ای است.

به گزارش خبرگزاری ایتارتاس، بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل در این مصاحبه اختصاصی گفت: ما بیش از ۲۰ سال است که به تمامی درخواست‌ها برای انجام اصلاحات در شورای امنیت گوش فرا داده‌ایم. اگر به این ۷۰ سالی که از تاسیس سازمان ملل می‌گذرد، نگاهی بیندازید تغییرات بسیار زیاد و برجسته‌ای را مشاهده می‌کنید.

وی ادامه داد: شورای امنیت که اصلی‌ترین مسوولیتش حفظ صلح است باید به‌گونه‌ای نمایان‌تر، دموکراتیک‌تر، موثرتر و مسوولانه‌تر تغییر کند. به نظر می‌آید پیدا کردن فرمولی قطعی که کشورهای عضو با آن موافق باشند، کار دشواری است.

بان کی مون ضمن اظهارنظر درباره فعالیت‌های این سازمان گفت، یکی از مزایا، تعدد نقطه‌نظر است. دستیابی به دیدگاه‌های مشترک کار دشواری است و بسیاری از کشورهای عضو این مساله را یک مشکل می‌دانند.

وی افزود: هنگامی که برخی اعضا تلاش می‌کنند برخی منافع ملی را در اولویت قرار دهند، نتیجه نهایی چیزی است که همیشه منجر به برنامه جهانی می‌شود و این نکته خوب و مهمی است. ما تلاش می‌کنیم تا این احترام متقابل و درک متقابل را حفظ کنیم.

بان کی مون ادامه داد: البته می‌دانم که بی‌کفایتی‌هایی نیز وجود دارد. من در ۹ سال گذشته به عنوان دبیرکل سازمان ملل تلاش کرده‌ام تا از طریق مدیریت اصلاحات و تغییر مدیریت کارایی‌ها، مسوولیت‌پذیری‌ها و اثربخشی سازمان ملل را بهبود بخشم و به این تلاش‌های خود ادامه می‌دهم.



دین، کلید اردوغان در انتخابات پارلمانی

درصد حد نصاب لازم برای ورود به پارلمان ترکیه را بدست نیاورند. اگرچه اردوغان به عنوان رئیس کشور باید از جناح‌گیری سیاسی به دور باشد، اما وی اخیراً از حزب حامی کردها به شدت انتقاد کرد که موجی از اعتراضات را به همراه داشت. مساله استفاده اردوغان از دین برای جلوگیری از حمایت کردهای ترکیه از حزب دموکراتیک مردم آن هم در کشوری با سیستم سیاسی سکولار مایه تعجب است. کردهای ترکیه که حدود ۲۰ درصد جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند، در کشوری زندگی می‌کنند که پایه‌های سکولار آن را مصطفی کمال آتاتورک، بنیانگذار ترکیه نوین در ۱۹۲۳ بنا نهاده است.



پروفسور توران می‌گوید: «اردوغان تلاش می‌کند تا کمپین خود را بر روی دین متمرکز کند و سیاست‌های مبتنی بر قومیت را در این منطقه ویژه کاهش دهد تا به موجب آن آرای حزب عدالت و توسعه افزایش یابد. او می‌ترسد که اگر حزبی حمایت مردمی را از دست بدهد، منزوی و ضعیف شود.»

«من بی‌طرفم»

اردوغان که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ پیش از تصدی پست ریاست جمهوری نخست‌وزیر بود، تاکید دارد که ترکیه باید ۴۰۰ قانونگذار حزب عدالت و توسعه را به پارلمان ۵۵۰ عضوی بفرستد تا بدین ترتیب بتواند قانون اساسی را به منظور تغییر سیستم سیاسی به سمت ریاست جمهوری تغییر دهد.

حزب دموکراتیک مردم ترکیه هفته گذشته به مقام‌های انتخاباتی از دست اردوغان شکایت کرد و وی را متهم کرد که بی‌طرفی ریاست جمهوری را نقض کرده و از قرآن به عنوان «ابزاری برای تبلیغات سیاسی» استفاده می‌کند؛ اعتراضی که راه به جایی نبرد.

اردوغان با رد این ادعاها می‌گوید: «من در رابطه با تمام احزاب بی‌طرفم، اما به لحاظ طبیعی یک حزب جای ویژه‌ای در قلب من دارد.»

هدی کایا، نامزد حزب دموکراتیک مردم برای استانبول می‌گوید: «یک رئیس‌جمهور باید برای تمام مردم باشد، نه اینکه پیام خود را خطاب به یک دین بیان کند و قرآن به دست بگیرد. او باید رفتاری مشابه با همه داشته باشد، نه اینکه با زبان تبعیض‌آمیز تنفر را تشویق کند.»

حزب دموکراتیک مردم ترکیه با ارائه دستور کاری سکولار متعهد شده است تا دروس مذهبی اجباری را حذف کرده و سازمان امور مذهبی را ملغی اعلام کند. پیروزی در این انتخابات برای حزب عدالت و توسعه اهمیت ویژه‌ای دارد و به دنبال آن است تا ۳۸ تا ۴۵ درصد از آراء را از آن خود کند. کمال قلیچدار اوغلو، رهبر حزب اپوزیسیون مردم جمهوری خواه می‌گوید که اردوغان همان ابزارهای سیاسی‌ای را استفاده می‌کند که روزگاری کتان اورن، رئیس‌جمهوری سابق ترکیه به آنها متوسل می‌شد. ژنرال اورن که در پشت کودتای نظامی ۱۹۸۰ بود، پس از آن کودتای خونین قدرت را بدست گرفت.

مذاکرات هند و روسیه در مورد همکاری‌های دفاعی و هسته‌ای



نویسندگان در زمینه‌های آموزش عالی و هوافضا تبادل نظر کردند. در این نشست پوتین از موخرجی برای مشارکت‌هایش در تقویت و گسترش روابط هند و روسیه تشکر و قدردانی کرد. اوایل روز شنبه موخرجی در هفتادمین سالروز بزرگداشت «روز پیروزی» در مسکو که به مناسبت پیروزی روسیه بر آلمان نازی در جنگ جهانی دوم برگزار شد، شرکت کرد. ارتشی از هند متشکل از ۷۰ نیرو نیز در این مانور شرکت داشت.

رئیس‌جمهوری هند در جریان سفر رسمی چهار روزه‌اش به روسیه با همتای روسی خود مذاکرات دو جانبه‌ای را برگزار کرده و هر دو این مقامات درباره همکاری‌های دو جانبه در بخش‌های مختلف از جمله انرژی هسته‌ای و دفاعی رایزنی کردند. به گزارش خبرگزاری هند، «پراناب موخرجی»، رئیس‌جمهوری هند و «ولادیمیر پوتین»، همتای روس‌اش در این نشست درباره مسائل منطقه‌ای و جهانی و همچنین همکاری میان مسکو و دهلی